

# استمرار مسیر بندگی در آینه صفات مومنین در قرآن

Continuing Path of Obedience Through the Attributes of Believers  
Described in Quran

## رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

«پروردگارا! دل‌هایمان را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تو بخشنده‌ای!»

۱) راسخین در علم، از پروردگار، مصونیت از انحراف فکری و جدا نشدن از مسیر هدایت را خواهند. (و الرّاسخون فی العلم یقولون ... ربّنا لا تزغ قلوبنا بعد از هدیتنا)

۲ - عالمان ژرف‌نگر، خواهان رحمتی ویژه از پروردگار هستند. (ربّنا ... وهب لنا من لدنک رحمة)

۳ - خطر انحراف پس از هدایت، برای همگان (حتی راسخین در علم)

۴ - نیاز انسان به امداد پروردگار، برای استوار ماندن در مسیر هدایت

۵ - ایمان به تمامی قرآن (محکّمات و متشابهات)، هدایتی از جانب خداوند است. (و الرّاسخون فی العلم یقولون امناّ به کل من عند ربّنا ... ربّنا لا تزغ قلوبنا بعد از هدیتنا) جمله «هدیتنا» پس از «امناّ به کل من عند ربّنا»، می‌تواند تفسیری برای ایمانشان به تمامی قرآن باشد.

خداوند متعال در آیه ۲۵۰ سوره بقره در رابطه با ثبات قدم فرموده است: «وَلَمَّا بَرَازُوا لِحَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛ و هنگامی که با جالوت و سپاهیانش روبه‌رو شدند گفتند پروردگارا بر [دل‌های] ما شکیبایی فرو ریز و گام‌های ما را استوار دار و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای.»

عنه عليه السلام : الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ ، فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ ، كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ .

[الكافي: 2/87/2.]

امام صادق علیه السلام : صبر برای ایمان ، به منزله سر است برای بدن . همچنان که اگر سر برود ، بدن هم از بین می رود ، اگر صبر از کف رفت ، ایمان نیز از کف می رود .

• صبر به منزله سر ایمان

• روزه تمرین صبر:

آل عمران ۲۰۰

• يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ...

# از اثار ایمان و صفات مومنین ثبات قدم است

- آیه ۲۷ سوره مبارکه ابراهیم که می‌فرماید: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ» اشاره کرد و افزود: این آیه می‌فرماید: خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و در آخرت با سخنی استوار که آن‌را پذیرفته‌اند بر ایمانشان پایدار می‌دارد و ستمکاران (کفرپیشگان) را در گمراهی می‌افکند و آنان را از دستیابی به حیات پاک دنیا و آخرت محروم می‌کند و خدا هر کاری که بخواهد انجام می‌دهد.».

- پس به نوعی میتوان نتیجه گرفت راهکار اصلی تحصیل ثبات قدم و یافتن این استمرار تخلق به اخلاق و صفات مومنین از است که در قرآن کریم آمده است

# صفات مومنین

- نماز
- زکات/انفاق
- دوری از لغو
- پاکدامنی
- رعایت امانت و عهد

- صفات مومنین آیات ۱ تا ۱۰ سوره مومنون

- تواضع و فروتنی
- دوری از لغو
- شب زنده داری
- دوری از شرک
- دوری از گناهان بزرگ مثل قتل و زنا
- عدم شهادت باطل
- گذشت
- تفکر (درس گرفتن از) در آیات الهی
- میانه روی
- دعا

- سوره فرقان (آیات 63 تا 77)

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (٢)

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (٩) أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ (١٠) الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

مؤمنین همانهاییند که در نماز خاضع و خاشعند (٢).

و آنها که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند؛ (آری،) آنها وارثانند!

(وارثانی) که بهشت برین را ارث می‌برند، و جاودانه در آن خواهند ماند!

سوره المعارج (٧٠): آیات ١٩ تا ٣٥

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً (١٩) إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً (٢٠) وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً (٢١) إِلَّا الْمُصَلِّينَ (٢٢) الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (٢٣) وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ (٢٤) لِلِسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ (٢٥) وَ الَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (٢٦) وَ الَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ (٢٧) إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ (٢٨) وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (٢٩) إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (٣٠) فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (٣١) وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ (٣٢) وَ الَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ (٣٣) وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (٣٤) أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ (٣٥)

" وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ " صلوات " جمع " صلاة- نماز " است. و اینکه فرموده: " نماز را محافظت می‌کنند " خود قرینه این است که مراد محافظت از عدد آن است پس مؤمنین محافظت دارند که یکی از نمازهایشان فوت نشود و دائماً مراقب آند. حق ایمان هم همین است که مؤمنین را به چنین مراقبتی بخواند.

و به همین جهت کلمه " صلاة " را در اینجا با صیغه جمع آورده و در جمله " فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ " مفرد، برای اینکه خشوع در جنس نماز، به طور مساوی شامل همه است، و دیگر لازم نیست که جمع آورده شود.

• **الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ** اینکه کلمه "صلاة" را به ضمیر "هم" اضافه کرده دلالت دارد بر اینکه بر خواندن نمازشان مداومت داشته‌اند، نه اینکه دائما در نماز بوده‌اند، و ستودن آنان به مداومت در نماز اشاره است به اینکه اثر هر عملی با مداومت در آن کامل می‌شود.

• **الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ** منظور از "محافظة بر صلاة" این است که صفات کمال نماز را رعایت کند، و آن طور که شرع دستور داده نماز بخواند. بعضی<sup>۱۴</sup> از مفسرین گفته‌اند: محافظت بر نماز، غیر مداومت بر آن است، چون دوام مربوط به خود نماز و نفس عمل است، و اما محافظت مربوط به کیفیت آن است، پس آیه "الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ" بعد از آیه "الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ" تکرار يك مطلب نیست.

## وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳)

وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا.

[صفات مؤمنین: تواضع و فروتنی، و برخورد سالم در مقابل برخورد زشت و لغو جاهلان با ایشان]

- کار " لغو" آن کاری است که فایده نداشته باشد، و بر حسب اختلاف اموری که فایده عاید آنها می‌شود مختلف می‌گردد. چه بسا فعلی که نسبت به امری لغو، و نسبت به امری دیگر مفید باشد.

• معنی اعراض از لغو

- نفس آدمی خود را بزرگتر از آن بداند که به کارهای پست اشتغال ورزد، و بخواهد که همواره از کارهای منافی با شرف و آبرو چشم پوشیده، به کارهای بزرگ و مقاصد جلیل بپردازد.

- اقتضای ایمان واقعی هم همین است، چون سر و کار ایمان هم با ساحت عظمت و کبریایی و منبع عزت و مجد و بهاء است و کسی که متصف به ایمان است جز به زندگی سعادت‌مند ابدی و جاودانه اهتمام نمی‌نماید،

- و از همین جا روشن می‌شود که وصف مؤمنین به اعراض از لغو کنایه است از علو همت ایشان، و کرامت نفوسشان.



وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي

حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا

(۶۸) يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يُخَلَّدُ فِيهِ مُهَانًا (۶۹)

إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ

سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۷۰) وَ مَنْ تَابَ وَ

عَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا (۷۱)

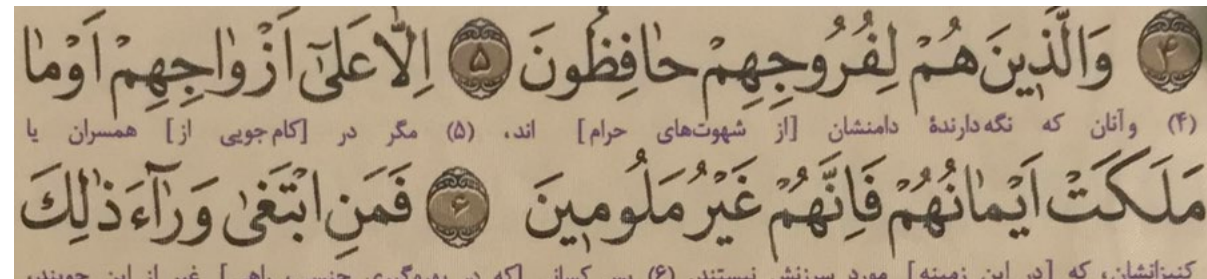
## سوره فرقان

کسانی که با خدای یکتا خدایی دیگر نخوانند و انسانی را که خدا محترم داشته جز به حق نکشند و زنا نکنند و هر که چنین کند به زودی سزا ببند (۶۸).

روز قیامت عذابش دو برابر شود و در آن به خواری جاویدان به سر برد (۶۹).

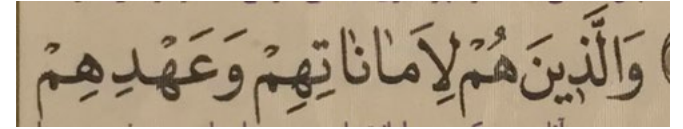
مگر آنکه توبه کند و مؤمن شود و عمل شایسته کند آن گاه خدا بدیهای این گروه را به نیکیها مبدل کند که خدا آمرزگار و رحیم است (۷۰).

و هر که توبه کند و عمل شایسته انجام دهد به سوی خدا بازگشتی پسندیده دارد (۷۱).



## سوره مومنون

## سوره مومنون



وَ الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَاماً (٧٢)

و کسانی که گواهی به ناحق ندهند و چون بر ناپسندی بگذرند با بزرگواری گذرند (٧٢). **سوره فرقان**

**امانت** در اصل مصدر است، ولی بسیار می‌شود که به آن چیزی که سپرده شده- چه مال و چه اسرار و امثال آن- نیز امانت می‌گویند و در آیه شریفه هم مقصود همان است و اگر آن را به صیغه جمع آورده، شاید برای آن باشد که دلالت بر همه اقسام امانتها که در بین مردم دایر است بکند

کلمه "**عهد**" بر حسب عرف و اصطلاح شرع به معنای آن چیزی است که انسان با صیغه عهد ملتزم به آن شده باشد، مانند نذر و سوگند. و ممکن است منظور از آن، مطلق تکلیف‌هایی باشد که متوجه به مؤمنین شده، چون در قرآن **ایمان مؤمن را "عهد" و "میثاق"** او نامیده است. و همچنین تکالیفی را که متوجه آنان کرده عهد خوانده و فرموده: "**أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ**"<sup>۱۹</sup> و نیز فرموده: "**وَ لَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ، لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ**"<sup>۲۰</sup> و شاید به جهت همین که این معنا مورد نظر بوده، کلمه عهد را مفرد آورد، چون تمامی تکالیف را **يك عهد و يك ايمان** شامل می‌شود.

## وَ الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (٤)

و کسانی که ایشان برای زکات، فاعلان (و کارگزاران) اند.

وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَاماً (٦٧)

وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ

الذین هم للزکاة فاعلون" و اشاره به اینکه دادن زکات از بزرگترین عوامل "تقارب طبقات" که لازمه جامعه سعادت مند است می باشد]

قرآن کریم، در ایه شریف «... الذین ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله و تثبیتا من انفسهم» انفاق در راه خدا را باعث تثبیت دل و تقویت روح ایمان در وجود انسان می داند

- چرا فرمود "زکات را عمل می کنند" و نفرمود "زکات را می دهند". پس معنایش این است که: مؤمنین کسانی هستند که انفاق مالی دارند. و اگر مراد از زکات خود مال بود معنا نداشت آن مال را فعل متعلق به فاعل دانسته و بفرماید: زکات را عمل می کنند،

- و در اینکه فرموده: "للزکاة فاعلون" و نفرموده: "للزکاة مؤدون" اشاره و دلالت است بر اینکه مؤمنین به دادن زکات عنایت دارند، مثل اینکه کسی شما را امر کرده باشد به خوردن آب، در جواب بگویی "خواهم نوشید" که آن نکته عنایت را افاده نمی کند، ولی اگر بگویی "من فاعلم" آن عنایت را می رساند.

وَ الَّذِينَ إِذَا دُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا (۷۳)

و کسانی که چون به آیه‌های پروردگارشان اندرزشان دهند کر و کور بر آن ننگردند (۷۳)

خرور بر زمین" به معنای سقوط بر زمین است و گویا در آیه شریفه کنایه است از ملازمت و گرفتن چیزی به این صورت که به روی آن بیفتد.

[وصف دیگر عباد الرحمن: آیات خدا را کور کورانه و بدون معرفت و بصیرت نمی‌پذیرند]

و معنای آیه شریفه این است که: بندگان رحمان چون متذکر آیات پروردگارشان می‌شوند و حکمت و موعظه‌ای از قرآن او و یا وحی او می‌شنوند، کور کورانه آن را نمی‌پذیرند و بدون اینکه تفکر و تعقل کنند بیهوده و بی جهت، دل به آن نمی‌بازند، بلکه آن را با بصیرت می‌پذیرند و به حکمت آن ایمان آورده به موعظه آن متعظ می‌شوند و در امر خود، بر بصیرت و بر بینه‌ای از پروردگار خویشند.

# دعاهای عباد الرحمن

جنس خواسته های این دسته افراد:

رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا (۶۵) إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا (۶۶)

و کسانی که گویند: پروردگارا عذاب جهنم را از ما بگردان که عذاب آن دائم است (۶۵).

که جهنم قرارگاه و جای بدی است (۶۶).

وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (۷۴) أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَ يُلْقَوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا (۷۵) خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنْتَ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا (۷۶) قُلْ مَا يَعْبُؤَا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا

(۷۷)

و کسانی که گویند پروردگارا ما را از همسران و فرزندانمان، مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را پیشوای پرهیزکاران بنما (۷۴).

آنها به پاداش این صبری که کرده‌اند غرفه بهشت پاداش یابند و در آنجا درود و سلامی شنوند (۷۵).

جاودانه در آنند که نیکو قرارگاه و جایگاهی است (۷۶).

بگو اگر عبادتتان نباشد پروردگار من اعتنایی به شما ندارد شما که تکذیب کرده‌اید به زودی نتیجه‌اش را خواهید دید (۷۷).

# آثار ثبات قدم

در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره فصلت آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (۳۰) نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ؛ بر آنان که گفتند: پروردگار ما الله است و پایداری ورزیدند، فرشتگان فرود می آیند که مترسید و غمگین مباشید، شما را به بهشتی که به شما وعده داده شده بشارت است. ما در دنیا دوستدار شما بودیم و نیز در آخرت دوستدار شما ایم. در بهشت هر چه دلتان بخواهد و هر چه طلب کنید برایتان فراهم است.»